12295 ـ شروط لا اله الا الله

سوال

لطفا شروط لا اله الله را توضیح دهید.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

شیخ حافظ الحکمی در منظومه‌ی سلم الوصول اصول اعتقاد را شش مورد ذکر کرده است:

علم و یقین و پذیرش و تسلیم شدن و راستی و اخلاص و محبت.

شرط اول: علم؛ به معنای مورد نظر خداوند از نظر نفی و اثبات. علم مخالف جهل است؛ خداوند متعال می‌فرماید: فاعلم أنه لاإله إلا الله (پس بدان که معبودی [به حق] نیست جز الله) و می‌فرماید: إلا من شهد بالحق وهم يعلمون (مگر کسی که به حق [یعنی لا اله الا الله] گواهی دهد در حالی که می‌دانند) یعنی با قلب خود به چیزی که بر زبان می‌آورند یقین دارند. و در صحیح از عثمان رضی الله عنه روایت شده که رسول الله ﷺ فرمود: هر کس در حالی که می‌داند معبودی جز الله نیست، وارد بهشت می‌شود.

شرط دوم: یقین؛ یعنی گوینده‌ی آن به معنای این کلمه یقین قطعی داشته باشد؛ زیرا برای مومن بودن تنها علم گمانی کافی نیست، بلکه علم یقینی لازمه‌ی آن است، چه رسد به آنکه آلوده‌ی شک باشد؟ الله عزوجل می‌فرماید: إنما المؤمنون الذين آمنوا بالله ورسوله ثم لم يرتابوا وجاهدوا بأموالهم وأنفسهم في سبيل الله أولئك هم الصادقون (همانا مومنان آنانی هستند که به الله و پیامبر او ایمان آوردند سپس دچار شک نشدند و با اموال و جان‌های خود در راه الله جهاد نمودند. اینان همان راستان هستند). در این آیه خداوند عزوجل، شک نیاوردن را شرط ایمان دانسته است، و آنکه در ایمانش شک باشد از منافقان است. و در صحیح از حدیث ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمود: گواهی می‌دهم که معبودی [حقیقی] جز الله نیست و اینکه من فرستاده‌ی الله هستم؛ هر بنده‌ای که بدون شک به آن، به دیدار الله برود، وارد بهشت می‌شود و در روایت دیگر چنین آمده که هر بنده‌ای بدون شک به آن به دیدار الله برود، از ورود به بهشت باز داشته نمی‌شود. همچنین وی در روایتی طولانی نقل نموده که رسول الله ﷺ وی را با کفش‌هایش فرستاد و فرمود: هر که را پشت

این دیوار دیدی که به لا اله الا الله از قلب خود شهادتی یقینی می‌دهد، به بهشت بشارت ده که در این احادیث شرط وارد شدن گوینده‌ی لا اله الا الله به بهشت، گفتن آن از روی یقین قلبی و بدون شک، بیان شده است، و هر گاه شرط نباشد، مشروط نیز منتفی خواهد شد.

شرط سوم: پذیرش مقتضای این کلمه با قلب و زبان. خداوند متعال داستان امت‌های پیشین را برای ما بازگو نموده که پذیرندگان مقتضای این کلمه را نجات داده و از کسانی که از پذیرش آن سر باز زده‌اند، انتقام گرفته است: الله متعال می‌فرماید: احْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِيمِ وَقِفُوهُمْ إِنَّهُم مَّسْئُولُونَ [صافات/ ۲۲ـ۲۴] (کسانی را که ستم کرده‌اند با هم‌ردیفانشان و آنچه غیر از الله می‌پرستیده‌اند گرد آورید و به سوی راه جهنم رهبری‌شان کنید و بازداشتشان نمایید که آن‌ها مورد پرسش قرار می‌گیرد) تا آنجا که می‌فرماید: إِنَّهُمْ كَانُوا إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوا آلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ (چرا که آنان وقتی به ایشان گفته می‌شد معبودی جز الله نیست تکبر می‌ورزیدند و می‌گفتند: آیا ما برای شاعری دیوانه دست از خدایانمان برداریم؟). خداوند متعال سببِ عذاب آنان را تکبر ورزیدن از گفتن لا اله الا الله و تکذیب آورنده‌ی آن دانسته. آنان آنچه را وی نفی نموده نفی نکردند و آنچه را اثبات کرده اثبات نکردند، بلکه از روی انکار و استکبار گفتند: أَجَعَلَ الْآلِهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عُجَابٌ وَانطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ [ص/ ۵-۷] (آیا خدایان [متعدد] را خدای واحدی قرار داده؟ این واقعا چیز عجیبی اس! و بزرگانشان روان شدند [و گفتند:] بروید و بر خدایان خود ایستادگی نمایید که این امر قطعا هدف [ما]ست. این [سخن] را در آیین اخیر [نصرانی نیز] نشنیده‌ایم. این جز دروغبافی نیست).

اما خداوند عزوجل این سخن آنان را تکذیب نموده و فرموده است بَلْ جَاء بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ (بلکه [او]حق آورده و پیامبران را تصدیق نموده است) سپس درباره‌ی کسانی که آن را پذیرفته‌اند فرموده است: إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ أُوْلَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُومٌ فَوَاكِهُ وَهُم مُّكْرَمُونَ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ [صافات/ ۴۰ـ۴۳] (مگر بندگان پاکدل الله؛ آنان روزی معین خواهند داشت. [انواع] میوه‌ها، و آنان مورد احترام خواهند بود. در باغ‌های پر نعمت).

در صحیح از ابوموسی رضی الله عنه از پیامبر ﷺ روایت است که فرمود: مثال هدایت و علمی که خداوند مرا با آن مبعوث نمود مانند باران بسیاری است که بر زمینی ببارد؛ بخشی از آن حاصلخیز است و آب را می‌پذیرد و گیاهان بسیار می‌روید و بخشی دیگر صاف و یک دست [و غیر حاصلخیز] است که نه آب را نگه می‌دارد و نه گیاهی از آن می‌روید. این مانند کسی است که در دین خداوند فقیه گردد و علمی که من بدان مبعوث شده‌ام به او سود رسانده و دانسته و به دیگران آموخته است. و مثال کسی که به آن رویگردانی نموده و هدایت الله را که من آورده‌ام نپذیرفته [مانند آن زمین یکدست] است.

شرط چهارم: تسلیم شدن به آنچه معنای لا اله الا الله بر آن دلالت دارد. الله عزوجل می‌فرماید: وَمَن يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ

مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ یعنی: هر کس خود را در حالی که نیکوکار باشد تسلیم الله کند، قطعا به ریسمان استوارتری ـ یعنی لا اله الا الله ـ چنگ زده و فرجام کارها به سوی الله است.

معنای اینکه چهره‌ی خود را تسلیم کند یعنی به آن گردن نهد در حالی که نیکوکار و موحد است، و هر که خود را تسلیم الله نکند حتی اگر نیکوکار باشد، چنین کسی به ریسمان محکم الهی چنگ نزده و او همانی است که الله متعال درباره‌شان می‌گوید: وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا (و هر کس کفر ورزد نباید کفر او تو را غمگین کند؛ بازگشتشان به سوی ماست و به [حقیقت] آنچه کرده‌اند آگاهشان خواهیم کرد).

و در حدیث صحیح آمده که رسول الله فرمودند: کسی از شما ایمان نمی‌آورد تا آنکه خواسته‌اش پیرو چیزی باشد که من آورده‌ام یعنی انقیاد و تسلیم کامل.

شرط پنجم راستی است که برعکس دروغ است. یعنی این سخن را صادقانه بگوید به طوری که زبان و قلبش با یکدیگر هماهنگ باشند. الله عزوجل می‌فرماید: الم (١) أَحَسِبَ النَّاسُ أَن يُتْرَكُوا أَن يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (٢) وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (الف لام میم آیا مردم پنداشته‌اند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ در حالی که به یقین کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم تا الله آنان را که راست گفته‌اند بشناسد و دروغگویان را نیز بشناسد).

و درباره‌ی منافقان که این سخن را از روی دروغ به زبان آورده‌اند می‌فرماید: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللّهِ وَبِالْيَوْمِ الآخِرِ وَمَا هُم بِمُؤْمِنِينَ يُخَادِعُونَ اللّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلاَّ أَنفُسَهُم وَمَا يَشْعُرُونَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللّهُ مَرَضاً وَلَهُم عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ (برخی از مردم می‌گویند ما به الله و روز بازپسین ایمان آورده‌ایم، ولی مومن [راستین] نیستند. با الله و کسانی که ایمان آورده‌اند نیرنگ می‌آورند ولی جز بر خویشتن نیرنگ نمی‌زنند و نمی‌فهمند. در دل‌هایشان مرضی است و الله بر مرضشان افزود و به [سزای] آنچه به دروغ می‌گفتند عذابی دردناک خواهند داشت).

و در صحیحین از معاذ بن جبل رضی الله عنه از پیامبر روایت است که فرمود: کسی نیست که صادقانه از قلبش گواهی دهد که معبودی به حق جز الله نیست و محمد بنده و پیامبر اوست، مگر آنکه خداوند، او را بر آتش جهنم حرام می‌سازد.

ششمین شرط، محبت است، یعنی دوست داشتن این کلمه و معنا و مقتضای آن و کسانی که اهل این کلمه و پایبند به شروط آن هستند و دوست نداشتن آنان که شروط این سخن را زیر پا نهاده‌اند. الله متعال می‌فرماید: وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللّهِ أَندَاداً يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللّهِ وَالَّذِينَ آمَنُواْ أَشَدُّ حُبًّا لِّلّهِ (و برخی از مردم در برابر الله همانندهایی [برای او] برمی‌گزینند و آن‌ها را چون دوستی الله دوست می‌دارند، ولی کسانی که ایمان آورده‌اند به الله محبت بیشتری دارند).

خداوند متعال بیان می‌دارد که مومنان الله را بیشتر دوست دارند، زیرا آنان در محبت او کسی دیگر را شریک نمی‌گردانند، نه مانند مشرکان که جز او همانندهایی برایش قرار داده‌اند و آنان را همانند او دوست می‌دارند. و در صحیحین از انس رضی الله عنه روایت است که رسول الله فرمود: کسی از شما ایمان نمی‌آورد مگر آنکه من نزد او از فرزندانش و پدرو مادرش و همه‌ی مردم محبوب‌تر باشم.

والله اعلم وصلی الله علی نبینا محمد.